

# جمع آوری و تحلیل اطلاعات افغانستان برای شناسایی فرصت‌های تجاری ضروری است

اشاره:

افغانستان سرزمینی در آسیا و محصور در خشکی است که سال‌ها جنگ و خونریزی داخلی این سرزمین تاریخی را به ویرانه‌ای تبدیل کرده که دیگر مزیت‌ها و امکانات و استعداد‌های اقتصادی آن کمتر به چشم جهانیان می‌آید.

در بیست و سه سال اخیر، نزاع‌های قومی در افغانستان بالا گرفت و در هر ناحیه‌ای از این کشور، گروهی علیه دیگری دست به اسلحه برد و میلیون‌ها نفر از مردم افغانستان بر اثر ناامنی موجود از سرزمین آباء و اجدادی خود هجرت کردند و در گوشه و کنار جهان آواره شدند. اما این سرزمین تاریخی، استعداد‌های اقتصادی بالقوه‌ای نیز دارد که بر اثر فقدان امنیت مورد بهره‌برداری قرار نگرفته و امروز مردم افغانستان حتی برای تأمین غذای خود نیازمند کمک‌های بین‌المللی شده‌اند.

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به شهرهای آمریکا، پای نظامیان آمریکایی را به سرزمین افغانستان باز کرد و طالبان که دست‌پرورده آمریکا بود، تقریباً سرکوب شده و گروه القاعده به رهبری اسامه بن لادن که حامی طالبان است، مضمحل شده است. با روی کار آمدن دولت موقت به ریاست حامد کرزای بارقه‌ای از امید برای برقراری صلح و امنیت در افغانستان درخشش گرفته و انتظار می‌رود که تا نیمه دوم سال جاری میلادی (اواسط تابستان ۱۳۸۱) انتخابات آزاد در افغانستان برگزار و دولت جدید روی کار آید.

اکنون جامعه بین‌المللی توجه ویژه‌ای به افغانستان و بازسازی و توسعه آن دارد و سرمایه‌گذاران بین‌المللی درصدد هستند که با استقرار امنیت سیاسی اقتصادی در این کشور از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری آن بهره‌برداری کنند.

در این میان کشورهای همسایه افغانستان شانس بهتری برای مشارکت در بازسازی این کشور دارند، اما شناخت استعدادها و توانمندی‌های اقتصادی افغانستان برای بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در این کشور ضروری است.

در این مقاله به بررسی مزیت‌های نسبی موجود و قابل خلق در اقتصاد افغانستان می‌پردازیم.

افغانستان با بیش از ۶۶۲ هزار کیلومتر مربع وسعت در جنوب غربی آسیا واقع شده و در خشکی محصور است. همسایگان افغانستان در شمال ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان، در غرب ایران، در شمال شرقی چین و در شرق و جنوب پاکستان است. این کشور بخشی از فلات ایران بوده و ۷۰ درصد خاک آن را مناطق بلند کوهستانی از جمله رشته کوه‌های هندوکش، سلیمان،

بابا، سیاه‌کوه و سفیدکوه تشکیل می‌دهد.

جلگه‌ها و نواحی پست در نواحی شمال، غرب و جنوب غربی افغانستان قرار دارد. رودهای مهم افغانستان آمودریا، کابل، هریرود، هیرمند و مرغاب هستند و حدود یک درصد از مساحت این کشور پوشیده از جنگل است.

جمعیت افغانستان در اواخر دهه گذشته بیش از ۲۰ میلیون نفر برآورد شده که بخش عمده آن در روستاها ساکن است. مردم افغانستان ملمان و زبان آنها پشتو، فارسی دری و ازبکی و خط رایجشان عربی است.

کابل پایتخت افغانستان حدود یک میلیون نفر جمعیت دارد و دیگر شهرهای مهم این کشور قندهار، هرات، مزارشریف، جلال‌آباد، بغلان و قندوز هستند که هر یک کمتر از نیم میلیون نفر جمعیت دارد.

بخش اعظم جمعیت فعال افغانستان در بخش کشاورزی اشتغال دارد و محصولات عمده تولیدی آنها گندم، برنج، جو، سبزی و میوه است. البته در سال‌های اخیر تحت‌تأثیر فشار طالبان کشت غالب در اراضی افغانستان، خشخاش بود که شیره آن برای تولید مواد مخدر به کار می‌رود. طالبان هزینه‌های نظامی خود را از قاچاق مواد مخدر تأمین می‌کرد.

دامپروری نیز در افغانستان جایگاه ویژه‌ای دارد و شمار دام سنگین (گاو و گوساله) این کشور در اوایل دهه گذشته ۱/۵ میلیون رأس و دام سبک (گوسفند، بز و بزغاله) ۱۴/۳ میلیون رأس برآورد شده است.

تولید گندم در افغانستان در همین زمان ۲/۸ میلیون تن، برنج ۴۵۰ هزار تن، جو ۳۳۰ هزار تن، چاودار ۲۴۰ هزار تن و سبزی‌ها ۳۸۰ هزار تن برآورد شده است.

صنایع افغانستان شامل صنایع نساجی (با تولید ۳۲/۱ میلیون متر مربع پارچه‌های کتانی و ۳۰۰ هزار متر مربع پارچه پشمی) در جریان درگیری‌های خونین افغانستان به کلی فرسوده شده است. صنایع سیمان این کشور در اوایل دهه ۱۹۹۰ قادر بود سالانه ۷۰ هزار تن سیمان تولید کند و صنایع برق آن توانایی تولید ۱/۱ میلیارد کیلووات ساعت برق در سال را داشت.

ذخایر معدنی افغانستان شامل گاز طبیعی، کرومیت، بریلیوم، زغال‌سنگ و سنگ آهن است. ذخایر زغال‌سنگ و سنگ آهن افغانستان از ذخایر لعل، فیروزه و آزبست نیز در افغانستان شناسایی شده است.

برآوردهای انجام شده در اوایل دهه ۱۹۸۰ حاکی از وجود نزدیک به ۳۰۰ میلیون بشکه ذخیره نفت خام در این کشور است.

ارزش تولید ناخالص داخلی افغانستان براساس برآوردهای انجام شده حدود ۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ و درآمد سرانه آن ۱۹۳ دلار برآورد شده است.

طبق آخرین آمارهای رسمی موجود، ارزش صادرات افغانستان در سال مالی ۶-۱۹۹۵ (منتهی به ۲۰ مارس ۱۹۹۶) ۲۶ میلیون دلار و شامل اقلامی نظیر میوه و آجیل، پوست، گاز طبیعی، پشم، فرش و پنبه بود که نسبت به سال مالی ۹۱-۱۹۹۰، که این رقم ۲۳۵/۱ میلیون دلار ثبت شده، کاهش چشمگیری داشت.

ارزش واردات این کشور در سال مالی ۶-۱۹۹۵ به میزان ۵۰ میلیون دلار ثبت شد. افغانستان در دهه ۱۹۸۰ صادرات گاز طبیعی به ارزش ۹۳/۲ میلیون دلار داشت که بیش از یک سوم درآمد صادراتی این کشور را تشکیل می‌داد.

افغانستان کشوری است که استعدادهای کشاورزی و دامپروری در آن موجود است. زمین‌های قابل کشت وسیع این کشور در سال‌های اخیر به کشت خشخاش و تولید مواد مخدر اختصاص یافت تا طالبان بتوانند از طریق قاچاق مواد مخدر، درآمد لازم برای انجام هزینه‌های نظامی را تأمین کند. جایگزینی کشت خشخاش با محصولات زراعی همچون گندم می‌تواند نه تنها در رفع نیازهای

غذایی مردم افغانستان، بلکه برای رونق صادرات و درآمد ارزی این کشور مؤثر واقع شود.

البته کشاورزی افغانستان شیوه‌های سنتی دارد و برای دستیابی به بازده مناسب در تولید محصولات کشاورزی، استفاده از فناوری‌های نوین کشت ضروری است که انتظار می‌رود سرمایه‌گذاران در این رشته به این مقوله توجه ویژه‌ای داشته باشند.

افغانستان از نیروی کار ارزان اما فاقد مهارت برخوردار است. ارزانی دستمزد کارگران افغان یک مزیت است، اما می‌توان با افزایش مهارت‌های آنها از طریق آموزش، از این مزیت به نحو بهتری بهره جست.

سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) آمادگی دارد که در این زمینه پیشقدم شود و امکانات موردنیاز را ارائه کند. به نظر می‌رسد که دولت آینده افغانستان از این امر استقبال نماید و زمینه مناسب برای جذب فناوری نوین در امر کشاورزی را با مساعدت فائو فراهم سازد.

از این رو به نظر می‌رسد که افغانستان در چند سال آینده به عرضه‌کننده محصولات کشاورزی و به ویژه گندم تبدیل شود و بخشی از نیازهای بازار منطقه را تأمین نماید.

گذشته از کشاورزی، دامپروری نیز در افغانستان جایگاه ویژه‌ای دارد، اما در حال حاضر به شیوه سنتی انجام می‌شود و به همین جهت شماری از دام‌های این کشور آلوده به بیماری‌های مختلف است. به نظر می‌رسد که با کمک جامعه بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی، در آینده افغانستان بتواند دامپروری نوین را ترویج کند و بخشی از نیازهای بازار داخلی و منطقه‌ای به گوشت و فرآورده‌های لبنی را تأمین نماید.

از این رو سرمایه‌گذاران در بخش‌های دامپروری و نیز صنایع تبدیلی می‌توانند فرصت‌های ارزشمندی برای سرمایه‌گذاری و تجارت در افغانستان به دست آورند.

در بخش معادن نیز افغانستان کشوری ثروتمند است. منابع قابل توجه سنگ‌های قیمتی، آهن، کروم و طلا در افغانستان شناسایی شده که توجه سرمایه‌گذاران را به خود جلب خواهد نمود. استخراج و فرآوری مواد معدنی یکی از زمینه‌های سودآور برای سرمایه‌گذاری در افغانستان است.

از نظر منابع انرژی نیز با وجود نبود اطلاعات دقیق از ذخایر، اما به نظر می‌رسد که ذخایر غنی گاز و نفت در این کشور شناسایی خواهد شد و زمینه مناسبی را برای توسعه صنایع نفت و گاز و صنایع جانبی آن فراهم خواهد ساخت.

به گفته حامد کرزای رییس دولت موقت افغانستان، برنامه توسعه اقتصادی این کشور با اولویت بخش‌های کشاورزی و صنعت شکل خواهد گرفت و انتظار می‌رود که در آینده نزدیک این بخش‌ها از برنامه‌ریزی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی برخوردار خواهند شد.

با توجه به موقعیت جغرافیایی افغانستان و دیدگاه‌های سیاستمداران آمریکایی، افغانستان به مسیری برای عبور خطوط لوله انتقال نفت و گاز تبدیل خواهد شد و منابع انرژی از این کشور انتقال خواهد یافت. از این نظر نیز زمینه‌های مساعدی برای سرمایه‌گذاری، صدور خدمات فنی - مهندسی و... قابل شناسایی است.

کارشناسان عقیده دارند که برای بهره‌جویی از استعدادها، طبیعی و مزیت‌های اقتصادی، دولت آینده افغانستان دو کار عمده در پیش رو دارد: اول برنامه‌ریزی برای ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی در چارچوب قوانین مؤثر برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دوم برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این کشور و فعالیت در راستای آن به منظور ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی.

همان گونه که رییس دولت موقت افغانستان می‌گوید، این کشور در آینده مسیر توسعه اقتصادی بر مبنای بازار را دنبال خواهد کرد و از این رو قوانین و مقررات در راستای تقویت فعالیت بخش خصوصی شکل خواهد گرفت و نه تنها سرمایه‌گذاران افغان، بلکه سرمایه‌گذاران خارجی برای فعالیت در امور اقتصادی دعوت و جذب خواهند شد.

در حال حاضر موقعیت اقتصادی افغانستان بیار ضعیف است. دولت کمرزای برای تأمین بودجه سال آینده به ۲ میلیارد دلار منابع خارجی (به صورت کمک و وام) نیاز دارد، در حالی که جامعه بین‌المللی وعده اعطای ۴/۵ میلیارد دلار کمک اقتصادی در پنج سال آینده را داده است.

اما آینده افغانستان با توجه به نیروی کار مستعد، استعدادهای طبیعی و منابع زیرزمینی، موقعیت جغرافیایی و... به نظر تیره و تاریک نیست. چنانچه صلح و امنیت پایدار در افغانستان استقرار یابد، جامعه بین‌المللی نسبت به سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی این کشور بی‌علاقه نیست و به همین جهت رفت‌وآمدهای بسیاری به افغانستان صورت می‌گیرد که بخشی از آن را تردد سرمایه‌گذاران و تجار خارجی تشکیل می‌دهد.

با ایجاد یک پایگاه اطلاع‌رسانی اقتصادی در افغانستان و استقرار

امنیت سیاسی - اقتصادی در این کشور، بسیاری از سرمایه‌گذاران بین‌المللی و منطقه‌ای برای بهره‌جویی از فرصت‌های تجاری - سرمایه‌گذاری در این کشور راهی کابل خواهند شد. در این میان تجار و سرمایه‌گذارانی که سریعتر بتوانند نیازهای کوتاه، میان و بلندمدت افغانستان را شناسایی کنند، خواهند توانست در رقابت فشرده آینده موقعیت مستحکمی را برای خود دست‌وپا کنند.

با توجه به عقب‌ماندگی علمی، فرهنگی افغانستان، افغان‌ها سالها به خدمات متخصصان خارجی نیاز خواهند داشت و از این رو بازار وسیعی برای صدور خدمات فنی مهندسی در دسترس خواهد بود، زیرا آنچه مسلم است ایجاد زیربنای مناسب اقتصادی نیازمند دستیابی به فناوری نوین است. چنانچه افغانستان بخواهد مسیر توسعه را با سرعت پیماید، می‌بایست در ۵ تا ۱۰ سال آینده زیرساخت‌های لازم و ضروری را مهیا سازد و دست‌کم سالانه ۵ میلیارد دلار در این بخش سرمایه‌گذاری کند. این امر نیز فرصت‌های تجاری سودمندی را برای عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات فنی - مهندسی مهیا خواهد ساخت.

به عقیده کارشناسان، دریافت و جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی

مربوط به افغانستان و ایجاد یک پایگاه اطلاع‌رسانی در این زمینه ضرورت دارد و چنانچه هر یک از کشورهای منطقه بتوانند چنین پایگاهی را سریع‌تر ایجاد کنند، قادر خواهند بود که سرمایه‌گذاران و بازرگانان خود را به خوبی هدایت کنند و از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در این کشور در حد مطلوب بهره‌برداری نمایند.

مشارکت کشورهای همسایه در بازسازی اقتصادی افغانستان نه تنها به لحاظ اشتراکات فرهنگی، دینی، بلکه به جهت تضمین صلح و امنیت در منطقه حایز اهمیت است. کشورهای همسایه همچون ایران می‌توانند در بازسازی افغانستان مشارکت وسیعی داشته باشند، زیرا بسیاری از امکانات و تجهیزات موردنیاز برای توسعه افغانستان با کمترین هزینه از طریق ایران قابل تأمین خواهد بود.

بنابراین به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاران و تجار ایرانی بیش از هم‌تایان خود در دیگر کشورها شانس بهره‌جویی از فرصت‌های تجاری در افغانستان را دارند و می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند.

